

خشت اول در برنامه‌ک درسی پنهان

از یادداشت‌های یک معلم تازه‌کار مدیریت رفتار انضباط در مدرسه

در اغلب شیوه‌های فعلی مدیریت رفتار، دانش‌آموز را یک «مسئله» در نظر می‌گیرند. از این رو، وقتی معلمان از عهده‌ی مدیریت رفتار دانش‌آموزان بر نمی‌آیند، به مقررات و شیوه‌های خشک انضباطی مدرسه متوسل می‌شوند. این نوع برخورد تحکمی، به‌رغم کارایی انکارناپذیر آن در مدیریت برخی سوء رفتارهای جدی، در سال‌های اخیر با چالشی جدی مواجه شده است. معلم‌ها دریافته‌اند که دانش‌آموزان به‌طور فزاینده‌ای در برابر روش‌های تحکمی مقاومت نشان می‌دهند.

روز به روز این نیاز بیشتر احساس می‌شود که دست از «مسئله» پنداشتن دانش‌آموزان و مهار کردنشان برداریم و وقت و انرژی خود را صرف پرورش معلمانی کنیم که از همان ابتدای کار مهارت کافی در مدیریت رفتار دانش‌آموزان داشته باشند و به اصطلاح سوء رفتارها را با ظرافت در نطفه خفه کنند و با جلوگیری از شیوع آن، جریان طبیعی یادگیری را در کلاس حفظ کنند. امروزه دانش‌آموزان بیش از هر زمان دیگری برای کنار آمدن با پیچیدگی‌های زندگی مدرن به کمک نیاز دارند. چراکه آنان دنیا را بدون فیلترهای بلوغ و تجربه‌های بزرگسالانه می‌بینند. از این رو، بسیاری از بچه‌ها در

به یاد دارم، اولین روزی که قرار بود به‌عنوان معلم سر کلاس حاضر شوم، با اینکه بسیار هیجان‌زده بودم و لحظه‌شماری می‌کردم، تا حدی هم نگران بودم. وقتی دفتر معلمان را ترک می‌کردم، تعدادی از همکاران پیش کسوت از سر لطف خواستند با هشدارهای خود مرا برای رویارویی با کلاس آماده کنند:

– بچه‌های تُحسی هستند! همین اول کار سر جاشون بنشونشون.
– اگه همین روز اول دسته‌بندی‌شون کنی، اون قدر هم بد نیستند. چارچشمی مواظبشون باشی، مشکلی پیش نمی‌یاد.
– موفق باشی! جای نگرانی نیست. از عهده‌اش برمی‌یایی. فقط لبخند یادت نره.
چند نفر دیگر از همکاران هم لبخندهای دلسوزانه‌ای بدرقه‌ی راهم کردند. با نزدیک شدن به در کلاس، انواع ترس‌ها و دلواپسی‌ها به من هجوم آوردند:
– از من خوششان خواهد آمد؟
– توان کنترلشان را خواهم داشت؟
– آیا طرح درسی را که آماده کرده‌ام به یاد خواهم آورد؟

واقعاً احساس می‌کردم به کام اژدها نزدیک می‌شوم. به خودم می‌گفتم خدایا! چه خاکی به سرم بریزم؟ در همین حین با یادآوری نصیحت یکی از استادانم به خودم نهیب زدم؛ نفس عمیق بکش، سرت را بالا بگیر، لبخند بزن. حالا اوضاع بهتر شده بود.

شرایط زندگی امروز احساس سردرگمی می‌کنند و این احساس در رفتارشان انعکاس می‌یابد که به نوبه‌ی خود موجب نگرانی‌هایی در معلمان می‌شود؛ طوری که احساس می‌کنند با بچه‌هایی گستاخ، ستیزه‌جو، ناآرام، منفی‌باف، منزوی و افسرده طرف هستند. بچه‌ها نیاز دارند بزرگ‌ترها آنان را در مواجهه با شرایطی که به لحاظ عاطفی و رشد اجتماعی قادر به کنار آمدن نیستند، کمک کنند. به‌علاوه، دانش‌آموزان نیاز دارند به لحاظ عاطفی و شعور اجتماعی رشد و آمادگی لازم برای سازگاری با مقتضیات زمانه را کسب کنند.

همواره به خاطر داشته باشید، ما به‌عنوان معلم، با تک‌تک کلمات، اعمال و رفتار ناخودآگاه خود دائماً به بچه‌ها می‌آموزیم که چگونه رفتار کنند و نسبت به ما و هم‌کلاسی‌های خود چه واکنشی داشته باشند. بنابراین، باید این سؤال اساسی را مطرح کرد که بچه‌ها چه چیزی یاد می‌گیرند وقتی که معلم عصبانی می‌شود، فریاد می‌زند، سرزنش می‌کند، تلافی می‌کند، تنبیه می‌کند، از انصاف خارج می‌شود و از بچه‌ها می‌خواهد که به او گوش کنند، بدون آنکه خودش به آن‌ها گوش کند. خلاصه، در مواردی همچون مسئولیت‌پذیری، احترام و قدرشناسی، الگویی رفتاری نیست که از بچه‌ها توقع دارد. اگر شما به‌عنوان معلم دانش، بینش و مهارت‌های لازم را برای الگو بودن نداشته باشید، تدریس برایتان دشوار خواهد بود. نحوه‌ی برخورد شما با دانش‌آموزانتان تأثیری ماندگار بر زندگی آنان می‌گذارد.

به یاد داشته باشید، تمام روزهای شما مهم هستند. چون هر دانش‌آموزی که در حوزه‌ی تأثیر شما قرار می‌گیرد، چه در کلاس و چه در راهرو یا حیاط مدرسه، در آن لحظه برایش حکم یک ستاره را دارید. حال اینکه سوسو بزنید، چشمک بزنید یا



بدرخشید، بستگی به خودتان دارد.

اولین دیدار

هر کلاسی مانند هر گروه اجتماعی نیازمند ضوابط رفتاری نهادینه شده‌ای است تا هر کس بداند دیگران چه انتظاری از او دارند. در این صورت، هر دانش‌آموز خواهد توانست با خیال راحت جایگاه خود را در گروه مشخص کند. به‌عنوان معلم، بسیار مهم است که ضوابط رفتاری کلاس را از همان ابتدا ترسیم کنید. این کار به شما امکان می‌دهد محدودیت‌های حاکم بر کلاس و حد و حدود رفتارها را معین و الگوی مدیریت رفتار کلاسی را پی‌ریزی کنید. طی اولین روزهای حضورتان در کلاس جدید، شما و دانش‌آموزانتان به‌طور ناخواسته یکدیگر را محک می‌زنید. دانش‌آموزان قضاوت‌شان را در مورد شما شکل می‌دهند و شما آنان را ارزیابی می‌کنید. در این زمان حساس که طرفین

به پذیرش یکدیگر تمایل دارند، باید طرح دقیقی بریزید. از این فرصت برای ایجاد ارتباط و بیان انتظاراتتان استفاده کنید. بستر همکاری را آماده کنید. فعالیت‌هایی را ترتیب دهید که فرصت بحث و تبادل اطلاعات را فراهم کنند. به بچه‌ها فرصت دهید با شما و هم‌کلاسی‌هایشان درباره‌ی علاقه‌های شخصی، سرگرمی‌ها، استعدادها و مهارت‌هایشان حرف بزنند و ببینید چطور می‌توان بین آن‌ها و برنامه‌ی

نکته

با دانش‌آموزانتان دوستانه رفتار کنید، اما هرگز با آن‌ها دوست نشوید. مراقب باشید که حرمت جایگاه حرفه‌ای شما همواره حفظ شود. ایرادی ندارد که دانش‌آموزان دوست شما شوند، شما نباید دوست آن‌ها شوید. کافی است رفتارتان دوستانه باشد.

درسی رابطه برقرار کرد.

اولین تأثیر

هر روز به محض ورود معلم به کلاس، دانش‌آموزان پیام‌های غیرکلامی او را که در نحوه‌ی ایستادن، حالات چهره، حرکات و نوع نگاه و لحن صدایش نهفته است، دریافت می‌کنند. آن‌ها همچنین به نحوه‌ی لباس پوشیدن و آراستگی ظاهر معلم توجه دارند. تمام این‌ها حاوی پیام‌های مشخصی هستند که عکس‌العمل مثبت یا منفی دانش‌آموزان را در پی دارند. دانش‌آموزان به‌طور غریزی در جست‌وجوی کسی هستند که بتوانند به او اعتماد کنند و او به نوبه‌ی خود بتواند آن‌ها را هدایت کند؛ معلمی توانمند، مسلط به موضوع درس، پای‌بند به احترام متقابل و برقرارکننده‌ی محیطی آرام برای یادگیری. دانش‌آموزان به‌طور ناخودآگاه توانایی معلم در کنترل

صدای شما مثل سازی است
که می‌نوازد. استفاده‌ی
درست از آن تأثیر زیادی بر
کیفیت تدریس شما خواهد
داشت. به طنین، لحن و بلندی
آن دقت کنید. صدای شما
می‌تواند بچه‌ها را سر شوق
آورد یا موجب دلسردی و
ناسازگاری آنان شود.

نکته

«آخه هر وقت این کفشارو می‌پوشه،
خیلی بد اخلاق می‌شه و پدر درمی‌یاره!
باید مراقب باشیم کار دست خودمون
ندیم!»

– ساده و باسلیقه لباس بپوشید.
– تمرین کنید که صاف بایستید و با
طمأنینه راه بروید تا حس اعتمادبه‌نفس
و تسلط را القا کنید.

– از تماس چشمی استفاده کنید. وقتی در
کلاس چشم می‌گردانید، تماس چشمی
مختصر می‌تواند حس تأیید و تصدیق
ایجاد کند و تمرکز دانش‌آموز را بالا ببرد.
– لبخند را فراموش نکنید. باعث آرامش
شما می‌شود. قبل از ورود به کلاس لبخند
را تمرین کنید. لبخند محبت‌آمیز معلم
می‌تواند موجب دلگرمی بچه‌ها و کاهش
تنش شود.

– احساسات و افکار منفی خود را بیرون از
کلاس بگذارید و به خودتان بگویید گرچه
اضطراب دارم، اما فعلاً معلم این کلاس

کلاس را می‌سنجند و مهارت ارتباطی،
دانش، دغدغه‌ها و حوصله‌ی او را ارزیابی
می‌کنند. اگر معلم خود را توانمند و
بائنصاف تشخیص دهند، با او راه می‌آیند،
و گرچه احساس بی‌قراری و تردید بر آنان
غالب می‌شود. در مقابل، شما نیز پیام‌هایی
از سوی شاگردانتان دریافت می‌کنید و
درمی‌یابید که برخی با اعتمادبه‌نفس و
خیال راحت گوش می‌دهند و برخی با
دیدهی تردید به شما می‌نگرند. بعضی‌ها
ممکن است خون‌گرم و مشتاق باشند
و برخی شکاک و منزوی. القای حس
اعتمادبه‌نفس، توجه نشان دادن و تسلط
بر موضوع و شرایط کلاس باعث می‌شود
شاگردان در حضور شما احساس امنیت و
آرامش کنند.

اقدامات لازم

– به نحوه‌ی حضور خود در کلاس دقت
کنید. بچه‌ها در ارزیابی معلم از روی ظاهر
مهارت زیادی دارند.

روزی متوجه شدم بچه‌ها گردن می‌کشند
تا از پنجره‌ی کلاس به حیاط نگاه کنند.
یکی از آن‌ها به بغل‌دستی‌اش گفت: «اوه!
اون جارو نگاه کن، خانم م داره می‌یاد! باز
کفشای قرمزشو پوشیده. زنگ بعد باید
مراقب باشیم.»

دانش‌آموز بغل‌دستی که ظاهراً تازه‌وارد
بود، پرسید چطور مگه؟ و او جواب داد:

هستم و خود را برای این درس آماده
کرده‌ام.

– طرح درس خود را با دقت آماده کنید.
دانستن اینکه چه چیزی را چگونه درس
خواهید داد، اعتمادبه‌نفس شما را افزایش
می‌دهد و این امر به‌طور ناخودآگاه در
رفتارتان منعکس می‌شود.

به قول معروف، وضعیت شما در کلاس
باید مانند اردکی باشد که روی سطح آب
ظاهر آرامی دارد، اما پاهایش مرتب زیر
آب در حرکت‌اند.

– رفتار بچه‌ها را زیر نظر بگیرید و آن‌ها را
هوشیارانه رصد کنید.

– عادت کنید روی رفتارها تمرکز و آن‌ها
را توصیف کنید. یادتان باشد، این رفتارها
هستند که باید مدیریت و در صورت لزوم
عوض شوند، نه دانش‌آموزان.

– یک دفترچه‌ی ثبت رفتار برای خودتان
تهیه کنید. در ساعت کلاس، رفتارها را
به‌طور تلگرافی در آن ثبت کنید تا یادتان
بماند دفعه‌ی بعد چه واکنشی نسبت به
آن نشان دهید. برای مثال، ردیف دوم
سمت راست – فلان دانش‌آموز – پریدن
وسط حرف معلم.

– علاوه بر بدرفتری‌ها، موارد مثبت و
قابل تشویق را هم در دفترچه‌ی خود
ثبت کنید. این کار در مدیریت شما مؤثر
خواهد بود.

– دقایقی را برای مرور روز یا هفته‌ای
که پشت‌سر گذاشتید معین کنید و اگر
موردی به ذهنتان رسید، در دفترچه قید
کنید. ■

منبع:

Coat of many pockets:
managing classroom
interactions, Jenny
mackay, Australian council for
Educational Research, 2006

